

پیش‌خورا

نظری بر اشعار و پاره‌ای از آثار هنری زنده‌یاد علامه علی دوانی «یادی از دلداده‌ای» در یک اثر نوانتشار

■ محمدرضا کائینی

استاد فقید زنده‌یاد علامه علی دوانی علاوه بر پرداختن به تاریخ اسلام و ایران و خلق مجموعه آثاری گرانسنگ در این باره، به ساحت شعر و ادبیات نیز علاقه فراوان داشت و در

دوران جوانی، در باب موضوعات گوناگون، اشعاری مختلف سرود. در سالیان اخیر این اشعار علاوه بر سه مقاله ادبی، در مجموعه‌ای به نام «یادی از دلداده‌ای» و از سوی نشر رهنمون به زیور طبع آراسته گشته است. دکتر محمد رحبی، فرزند فاضل آن بزرگوار، در بخشی از دیباچه گرانسنگ و مطول خویش بر این اثر، چنین آورده است:

«اینجانب در اوایل عمر، گاهی به مناسبت‌هایی اشعاری سرودهم که قسمتی از آنها همین است که از لحاظ خوانندگان محترم با ذکر تاریخ و محل سرودن آن می‌گذرد. چنانچه حال و فرصتی دست داد، آنچه پس از مدت‌ها متراکه به باز هم گفته شود، در این دفتر ثبت می‌گردد که از ما به یادگار بماند. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. علی دوانی، دماوند، ۸ مردادماه ۱۳۵۲ شمسی…

جملات بالا آخرین عبارت از یادداشت کوتاهی بود که سراینده فقید در دفتری که برای گردآوری و ثبت آنچه از اشعار گذشته‌اش در دسترس بود فراهم ساخته بود و نیز آنچه در دسترس نیست، در فرصتی دست داد» – قرار بود بسراید، ولی متأسفانه صفحات سپید دفتر حاکی از آن است که استاد راحل هرگز آن حال و فرصت را باز نیافت تا باقی دفتر را نیز به خامه ذوق خویش بنگارد. تاریخ سرایش اشعار گردآوری‌شده، سال‌های بین ۲۰ تا ۳۰سالگی، یعنی اوان شکوفایی ادبی و علمی



زنده‌یاد محبت‌الاسلام و المسلمین علامه علی دوانی

آن استعداد درخشان را در بر می‌گیرد و البته غالباً به سنسین ۲۰ تا ۲۵سالگی وی تعلق دارد. با آنکه این طلیعه تابناک از فوران ذوقی سرشار خبر می‌داد، ولی چنانکه می‌دانیم فقدان دروس ادبیات فارسی یا متون درسی فارسی در برنامه رسمی حوزه‌های علمیه و به عبارت‌تی، تباین تعلیمات سنتی حوزوی با شعر و ادبیات فارسی به جهت روح بخشی‌حاکم بر معارف و علوم قدیمه و همچنین تنگناهای متعدد زندگی سخت‌طبعی، مجالی برای بروز یا رشد چنین استعداد‌های هنری و ادبی باقی نمی‌گذارد و همچون دانشگاه‌های بوروکرات خارج و داخل، هنرمند و شاعری در دامان خود نمی‌پرورد. تنها کسانی که به یمن نبوغ خویش، طهوری خلاف آمد عادت- و آن هم بیرون از محیط رسمی و برنامه درسی- دارند، در اوقات فراغت خویش- که به ویژه در اوایل و اواخر کار و بار عمر دست می‌دهد- مجال ابراز جلوه‌هایی از ذوق هنری و ادبی خداداد خود را می‌یابند. اشعار آغاز و پایان عمر پربهرکام خمتنی (ره) نمونه بارز و شاهد صادقی این مدعاست.

هزاران افسوس که این ذوق سرشار در بدایت فوران خویش، در مسیری از پیش تعیین شده برای هر طلیعه، همچون هزاران هزار استعداد درخشان دیگر جاری می‌شود و به‌رغم آنکه فراتر از یکصد جلد تصنیف، تالیف، ترجمه و تصحیح درخشان را پدید می‌آورد- که هر کدام در جای خود ابداع و نقطه آغازی از لحاظ موضوع یا طرز بیان است و مورد تقدیر فراوان اعظام گذشته و حال قرار می‌گیرد- ولی دیگر از تیابلی با عالم شعر و شاعری ندارد. به شهادت افراد خانواده دمساز وی، همراه با افول ناخواسته اختر شعر او، اشتغال به سایر هنرها نظیر قصه‌نویسی، خطاطی، نقاشی و ذوقیاتی همچون گردآوری تمبر، تصاویر و اسناد نادر و امثال ذلک نیز به تدریج کمرنگ شد و در مسیر زندگی علمی و عملی او قرار نگرفت. البته همان‌ها نیز مانند بقیایمانده اشعار، هر چند تنها به یک دهه از حیات وی تعلق دارند، ولی مجموعه‌هایی جذاب و قابل اعتنا محسوب می‌شوند…»

■ احمدرضا صدری

شهادت مظلومانه دانشمند شهید دکتر محسن فخری‌زاده، موسمی مناسب برای سخن گفتن از پیشینه ترور در تاریخ انبیا و دوران جمهوری اسلامی و نیز تبیین بسترهای درونی و بیرونی آن است. در گفت‌وشنود مکتوبی که پیش روی دارید، حجت‌الاسلام و المسلمین سیدصادق موسوی شیرازی دین‌پژوه‌وزامیراز دوران انقلاب اسلامی، در این باره سخن گفته است. امید آنکه محققان تاریخ و عموم علاقه‌مندان را امید و مقبول آید.

■ ■ ■

ترور و تلاش برای حذف فیزیکی منادیان طریق خدا و حق، پیشینه‌ای به بلندای خلقت انسان دارد. قرآن و شواهد تاریخی در این باره چه می‌گویند؟

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. از آغازین روزهای زندگی بشر روی این کره خاکی، میان انسان‌ها تقابل‌های خونین وجود داشته که نخستین آن به تصریح قرآن کریم، قتل هابیل توسط برادرش قابیل بوده است. این تصمیم قابیل برای ارتکاب نخستین جنایت بشری، تنها به علت قبول نشدن قربانی وی از سوی خداوند و در یک کلام، ناشی از وسوسه نفسانی او بود! تفصیل این واقعه در آیاتی از سوره مبارکه «مائده» و به‌طور مفصل‌تر در کتب تاریخی و روایی آمده است. در این واقعه تقابل دو منطق کاملاً متضاد، عیان می‌شود که از یک سو، منطق قابیلی تصمیم بر حذف فیزیکی شخص مغبوض او قرار داد و با صراحت کامل قصد و نیت خود را اعلام هم می‌کند. «فَقَتَّلْکَ» یعنی قطعاً تو را خواهم کشت!اما منطق هابیلی، دقیقاً زبر جهت مخالف منطق قابیلی قرار دارد و بر پنج پایه زیر استوار است:

۱- «إِنَّمَا یَقْتُلُ اللّٰهُ مِنَ الْمُتَمٰینِ»:یعنی که عامل اصلی این تنش، فقدان تقوای لازم در وجود طرف مقابل است و به‌رغم وقوع عمل قربانی‌از سوی هر دو نفر به‌طور همسان، اختلاف نیت در هر کدام از آنهاست که قربانی یکی، مورد قبول خداوند قرار می‌گیرد و همان عمل از



«پیشینه ترور در تاریخ انبیا و دوران جمهوری اسلامی، روایت‌ها و تحلیل‌ها» در گفت‌وشنود با حجت‌الاسلام و المسلمین سیدصادق موسوی شیرازی

دشمن در میان گردو غبار دعوای جناحی به راحتی نفوذ می‌کند

شخص دیگر، از سوی پروردگار مقبول نمی‌شود.

۲- «لَیْسَ یَسْتَلِطُّ اِلَیَّ یَدُکَ لِتَقْتُلَنی مَا اَنَا بِبَاسِطِ یَدَیْ اَیُّکَ لِأَقْتُلَکَ»:به این معنا که اگر تو تصمیم نابخردانه و برخاسته از روی هوای نفس خود برای آلوده کردن بدست و در خون مرا گرفته‌ای، من هرگز دستم را به سوی تو دراز و به خون تو آغشته نخواهم کرد که این خود تجسم کمال فضیلت انسانی و بافشاری در برادری، در مقابل تصمیم بر خون‌ریزی‌از سوی برادر دیگر است.

۳- «إِنِّیْ أَسْأَلُ اللّٰهَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ»: به این مفهوم که قطعاً این تصمیم من، نه از روی ناتوانی و عجز که به علت خوف از پروردگار جهانیان است که همان پابندی به تقواست.

۴- «إِنِّیْ أُرِیدُ أَنْ تَسُوَءَ بِأَیْمِیْ وَإِنِّیْسَکَ فَتُکَوِّنُ مِنْ أَسْخَابِ النَّارِ»: آن‌گاه که تو برادر خود را به قتل برسانی، آن وقت گناه خود به عنوان قاتل و گناه من به عنوان مقتول مظلوم را، همزمان متحمل خواهی شد و عمل قبیح دو گناه، در صحیفه اعمالت نوشته می‌شود. به‌این مفهوم که یکی اصل از ارتکاب جنایت قتل است و دیگری انجام این جنایت در حق برادر است.

۵- «فَتُکَوِّنُ مِنْ أَسْخَابِ النَّارِ»: قطعاً نتیجه از ارتکاب این قتل قبیح و جنایت بزرگ، سوختن در آتش دوزخ است.

۶- «وَذَلِکَ جَزَاُ الظَّالِمِیْنَ»: هدف اساسی از ایجاد جهنم در آخرت، مجازات ستمکاران در دار دنیاست، زیرا دنیا مکان کاشتن است و آخرت جای درو کردن محصول همان کاشته‌هاست. آتش زدن به زندگی کسی به صور گوناگون در دار دنیا، حتماً به شکل آتش جهنم در آخرت وجود همان ظالم را خواهد سوزاند. و این گونه انسان پُرادعا با تسلیم در مقابل هوای نفس، تبدیل به «أُولَیْکَ کَالْأَنْعَامِ لَیْلٌ هُمْ أَضَلُّ» می‌شود، چون حیوانات به حکم غریزه خدادادی،

هرگز به همجنس خود تعرض نمی‌کنند و برای رفع گرسنگی، طعمه خود را از دیگر صنف حیوانات به دست می‌آورند، لکن انسان که خود را موجود برتر و صاحب عقل فراوان می‌داند، نه برای رفع گرسنگی و

عاریخ

کفت و گو ۸۸۴۹۸۴۲۷

و س

د

جریان نفوذ در میان گرد و غبار کشمکش‌های داخلی و با اتکا به اعتماد شخصیت‌های هر جناح یا گروه درون نظام، در لحظه‌ای که از پایان امریکایی و صهیونیستی به آنان دستور می‌دهند، چهره کر به خود را عیان و ضربه‌های دردناکی را به ارکان نظام وارد می‌کند. انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و پس از آن انفجار ساختمان نخست‌وزیری توسط نفوذی‌های منافقین، از نمونه‌های بسیار بارز این امر هستند

به «حمزود» ستمگر که ابراهیم خلیل‌الله(ع) آنان را این گونه به یکتاپرستی و رهایی از بند سلطه ستمکار دعوت می‌کند: «فَمَا کَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ اِلَّا اَنْ قَالُوا اَقْتُلُوْهُ اَوْ حَرِّقُوْهُ» و به عبارت دیگر: «قَالُوا حَرِّقُوْهُ وَاَنْصُرُوا الْهٰکِمَ اِنْ کُنْتُمْ فٰعِلِیْنَ». پاسخی مردم به منطق ابراهیمی این بود که وی را به قتل برسانید یا در آتش بسوزانید.همین روش نیز، در قبال دعوت موسی کلیم‌الله(ع) پیشنهاد می‌شود: «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُوْنِیْ اَقْتُلْ مُوسٰی»: فرعون با اطرافیان خود پیشنهاد قتل موسی(ع) را مطرح کرد. از آخرین نمونه، توطئه خبیثانه سران مشرکین برای ترور رسول‌الله(ص) بود که با تدبیر الهی، از آن نجات یافتند و به مدینه منوره هجرت کردند. بار دیگر نیز منافقین پس از بازگشت حضرتش از غزه «تبوک»، قصد ترور ایشان را داشتند که توطئه‌شان ناکام ماند. به روایتی آن توطئه پس از انجام «حجه الوداع» در مسیر مکه به مدینه در «عقیبه هرسی» و میان «حجغه» و «ابواء» صورت گرفت که خداوند متعال توطئه منافقان را خنثی کرد و رسول‌الله(ص) به سلامت مسیرشان را ادامه دادند.

جریان ترور سعد بن عباده، سر کرده انصار -که پس از جریان سقیفه از مدینه خارج شد- لیکن وی توسط گروهی ناشناس، در دل شب به قتل رسید که برای سرپوش گذاشتن بر این جنایت، آن را منتسب به جن کردند و گفتند: «قَتَلَهُ الْجِنُّ». و ترور امیرالمؤمنین(ع) در حین نماز صبح در ماه مبارک رمضان و در محراب عبادت توسط این ملجم لعین، از جمله مشهورترین ترورهای تاریخ اسلام است.اما نقطه مشترک در انگیزه همه این توطئه‌ها برای قتل یا ترور پیامبران و امامان آن نیز دعوت کنندگان به «عدل و قسط من الناس» به تعبیر قرآن کریم، همانا عجز کافران و منافقان و ستمگران در مقابل منطق حق است و مبهوت ماندن در رویارویی با استدلال ابراهیمی و شکست در مقابل معجزه‌های موسایی و ناتوانی در تقابل با دعوت حیات بخش محمدی و متضرر شدن از منطق عدل علوی که دشمنان کوردل را وادار به تصمیم بر مقابله غیر شرافتمندانه، یعنی حذف فیزیکی و به عبارت دیگر ترسور می‌کند. همواره استفاده از این روش، پس از رسیدن مخالفان منطق حق به بن‌بست، در محاجه و استدلال با دعوت‌کنندگان به حق و هدایت انجام می‌شود.

به نظر شما ترورهای سازمان یافته‌ای که پس از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد و همچنان ادامه دارد، ریشه در تصمیم‌گیری‌های کدام رژیم و سازمان امنیتی داشته و چگونه هر از گاه، به روز می‌شود؟

در انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) نیز ترورهای رژیم شاه بعد از نامیدی به فیجیع‌های شکل به قتل می‌رساند و از بیکر او نیز هیچ بهره‌ای نمی‌برد، بلکه او را به زیر خروارها خاک می‌فرستد و در گودالی مدفون می‌سازد یا در بعضی فرهنگ‌ها می‌سوزاند و تبدیل به خاکستر می‌کند و سپس به دریا می‌ریزد. این تقابل خشن منجر به قتل، چه در مقابل گروهی که به معنی جنگ‌های خانمانه‌است و بعد از حادثه آغازین میان هابیل و قابیل و تحت تأثیر همان وسوسه‌های نفسانی، متأسفانه تا امروز هم ادامه دارد و صدها میلیون نفر در طول تاریخ، قربانی کینه و حسادت‌های قابیلی شده‌اند و در آینده نیز خواهند شد.

فرآیند قتل یا ترور منادیان خدا پرستی و حق طلبی، در دوران انبیا‌های دیگر چگونه تداوم یافت و چه جلوه‌های بیرونی‌ای یافت؟
حرکت انبیا و پیامبران الهی، همواره برای برگرداندن بشر از ضلالت و گمراهی به مسیر انسانیت بوده که اولین تجلی آن، سجده ملانک به حضرت آدم(ع) بود. کسانی که نفس خود را تزکیه کرده و از سوی خداوند متعال برگزیده شده‌اند، با راهنمایی ویژه الهی که همواره وحی آسمانی و هدایت خالق و مدیر تمام ذرات هستی است، به میان مردم آمده‌اند، اما در پرچمداران فضیلت و سختکوشان دلسوز، دانما از سوی ظالمان مستکبر و سلطه‌طلبان خودخواه و دشمنان ارزش‌های واقعی انسانی و به پنهان‌های گوناگون و در اشکال مختلف، مورد هجوم قرار گرفته‌اند. بر حسب بعضی از روایات، گاهی در یک روز، هزار پیامبر در جامعه بنی‌اسرائیل، به‌طور فجیحی به قتل می‌رسیدند، ولی باز خداوند متعال برای راهنمایی مردم جاهل و غافل به صراط مستقیم و نشان دادن فضائل متروکه انسانی به آنان، پیامبر دیگری را مبعوث می‌کرد.

قرآن کریم نیز به نمونه‌هایی از این وقایع تلخ اشاره می‌کند، از جمله پاسخ جامعه بت پرست و سرسپرده خودخواری، رضایی‌نژاد، احمدی روشن و اخیراً شهید سرافراز محسن فخری‌زاده است. سیاست ترور جزو ماهیت دو نظام خونخوار و مستکبر امریکایی-صهیونیستی است. به همین علت پیمان استراتژیک میان این دو رژیم، روز به روز مستحکم‌تر می‌شود و سرویس‌های جاسوسی آنها، همواره تبادل اطلاعات و همکاری کامل در عملیات را انجام می‌دهند. قطعاً اگر تبادل اطلاعات میان سازمان‌های جاسوسی امریکا و رژیم مزدور منطقه نبود، هرگز موفق به ترور نیروهای مجاهدی چون: عماد مغنیه، قاسم سلیمانی و فخری‌زاده رئیس سازمان پژوهش و نوآوری وزارت دفاع نمی‌شدند.

اما سؤال اینجاست که آیا هر روز باید منتظر ضربه دردناک جدیدی، توسط سازمان‌های جاسوسی امریکا و رژیم صهیونیستی باشیم و دشمنان به‌راحتی در هیئت دشمنان دوست‌نما،

جوان

در لایه‌هایی از نهادها و مؤسسات نظام مقدس جمهوری اسلامی، عوامل سرسپرده خود را انتخاب کنند و آنان را در جنایت‌های خود، در حذف فیزیکی و ترور افراد ارزشمند و سختکوش، به کار گیرند و مسئولان در سطوح مختلف، هیچ‌گونه بازنگری‌ای در اطرافیان خود نکنند؟

اتفاقاً پرسش اینجاست که در داخل و خارج، بسترهای لازم برای اینگونه ترورها چگونه مهیا می‌شود؟ جریان نفوذ چه نقشی در فراهم کردن زمینه برای اینگونه اقدامات دارد؟

دشمن واقعی، خود را نزد بخشی از مسئولان نظام، به‌ظاهر دلسوزتر از دیگران نشان می‌دهد و با روش‌های گوناگون، اعتماد کامل ایشان را جلب می‌کند و خود را مخزن اسرار تصمیم‌گیران و مدیران کشور قرار می‌دهد و از نقاط ضعف موجود در درون ارگان‌ها، اطلاع می‌یابد و به‌راحتی به اطلاعات محرمانه و به کلی سرتزی سران، دسترسی پیدا می‌کند!این جریان در میان گرد و غبار کشمکش‌های داخلی و با استفاده از فضای دعوای شدید جناحی، با اتکا به اعتماد کامل شخصیت‌های هر جناح یا گروه درون نظام به آنان، در نقطه‌ای که اربابان امریکایی و صهیونیستی به آنان دستور می‌دهند، چهره کر به خود را عیان و ضربه‌های دردناکی را به ارکان نظام وارد می‌کند. انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و پس از آن انفجار ساختمان نخست‌وزیری توسط نفوذی‌های منافقین مز‌دور، از نمونه‌های بسیار بارز هستند. نمونه‌هایی که نشان می‌دهند افراد سطوح را، جزو شهدای انفجار دفتر نخست‌وزیری اعلام کردند و تشییع کنندگان شهیدان رجایی و باهنر، «حافظ کشمیری» هم می‌گفتند، غافل از اینکه او، با سلامت کامل از ایران خارج شده و تحت‌الحما به کشورهای جنایتکار مدعی حقوق بشر قرار گرفته است! عامل انفجار دفتر حزب جمهوری اسلامی نیز مسئول تنظیم امور سالن برای دیدارهای شهید آیت‌الله دکتر بهشتی با نیروهای نخبه و اعضای فعال در ارگان‌های مختلف بود و به‌راحتی مواد منفجره لازم را جاسازی کرد و هیچ شک و شبهه‌ای نیز متوجه او نشد و پس از انجام مأموریت محوله و به خاک و خون کشیدن بهترین شخصیت‌های انقلاب از جمله آیت‌الله بهشتی و بیش از ۷۲ نفر، باطمینان خاطر به خارج گریخت و سالیان سال در پرتو حمایت کشورهای اروپایی به ظاهر دلسوز حقوق ملت ایران زندگی کرد!

بی‌تردید جریان نفوذ در انجام یا بسترسازی برای انجام اینگونه ترورها در طول تاریخ جمهوری اسلامی، نقشی مهم داشته است. از منظر شما و از سبزی گشتن چهار دهه، علاج این عارضه در چیست و مسئولان و دلسوزان نظام چگونه باید رفتار کنند؟

این حقیر که خود از اوان نوجوانی، یکی از کوچک‌ترین افراد دوران مبارزه در نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی(ره) بود‌ام و تا امروز نیز در راه حمایت از نظام مقدس جمهوری اسلامی و رهبری معظم آن، با چنگ و دندان تلاش کرده و همواره تمام سختی‌ها و فشارها و حتی تهمت‌های دروغ را متحمل شده‌ام و در طول ۴۲ سال بعد از پیروزی برای شخص خود از هیچ یک از امتیازهای دولت‌ها هم بهره‌ای نگرفتم،م، اکنون نیز هیچ توقعی از مسئولان برای شخص خود ندارم. همین افتخار در دنیا و آخرت برای من بس که سال‌هاست در دریای بیکران علم امیرالمؤمنین(ع) افتادم و کوچک‌ترین قدم را در جهت کاستن مظلومیت باب‌عمر رسول‌الله(ص) و مولی‌الکونین(ع) برداشته و خلاصه آن را در کتابی به نام «تمام هیچ‌ایلافه» تدوین کرده‌ام که ان‌شاءالله مقبول در گاه آن حضرت قرار گیرد.

این کمترین آکنوز از مسئولان محترم نظام جمهوری اسلامی از طیف‌های گوناگون و جناح‌های مختلف، در خواست متواضعانه دارم که کمی نسبت به اطرافیان نزدیک خود، وقت بیشتری داشته باشند و ملاک اخلاص آنان را در «حسنت‌احسنت» گفتن ایشان به رفتارهای خود ندانند، که امیر المؤمنین(ع) فرمود: «صدیقی من صدِّقٌ لَمَنْ صدِّقٌ کم، دوست تو نزدیک خود، است که در برخورد با تو راستگو باشد و حقایق را برای تو بیان کند، نه کسی که همواره تو را تصدیق و رفتار تو را تأیید می‌کند! ایشان در جای دیگری می‌فرماید: «ما اکثر العیبر وما اقل الاعتیبار»: عبرت‌ها در دنیا چه بسیارند، ولی پندگیری انسان‌ها از عبرت‌ها چه اندک! ما در ۲۲ سال عمر نظام مقدس جمهوری اسلامی، صدها بار تحقق این سخن گهربار باب مدینه‌العلم رسول‌الله(ص) را با دو چشم خود دیده‌ایم، ولی متأسفانه به علت عبرت نگرفتن‌ها، هزینه‌های سنگینی را پرداخته‌ایم، در حالی که قرآن کریم در مورد انتخاب «بطانه» یعنی محرمان اسرار، تأکید فراوان دارد و می‌گوید: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطاناً من دونکم»، و در پایان آیه شریفه می‌فرماید: «قد بینا لکم الایات ان کتمت تعقلون» جمله «ان کتمت تعقلون» قاعده‌ناباید برای به‌هوش آوردن همه دست‌اندر کاران امر، کافی باشد. نظام جمهوری اسلامی امروز در سراسر جهان، چشم و چراغ مسلمانان و شیعیان و همچنین مظلومان و مستضعفان است. به همین دلیل باید همچنان از درون مستحکم باشد تا بتواند به وظیفه الهی خویش عمل کند و مایه پأس دشمنان گردد، ان‌شاءالله تعالی.



فضایی از دواغ یاغی بیکر شهیددین محسن فخری‌زاده